



کتابخانه
المطبعة
العلمية
بمصر



سلام





زندگی از منظر سوره «الرحمن»:

جلسه بیستم - ۱۲ آبان ماه ۱۳۹۹

آیة ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶:



خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (۱۴)

وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ (۱۵)

* (او) انسان را از گلی خشکیده مثلِ سفال آفرید *

* و (او) جن را از شعله‌ای از آتش پدید آورد. *

« مقایسهٔ جن و انس: »

۱- هر دو، باید « بندگی » کنند: **ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ**

۲- هر دو، « **زمینی** » و « همسایه » یکدیگرند اما دخالتی در کار هم ندارند.

۳- هر دو، « **زنده** » و « **هوشمند** » و « **مختار** » هستند.

۴- « **معنویت** » انسان، « **زیاد** » بدنش « **ضعیف** » و عُمرش « **کم** » است.

« **معنویت** » جن، « **کم** » و عُمرش « **طولانی** » و « **سرعت** » زیادی دارد.

۵- « جن »، « قبل » از انسان پدید آمد: **وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ**

ع- « **انسان** »، « **جامد** » و « **جن** »، « **سیال** » و هر دو « **مادی** » هستند.

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۶)

پس شما (جن و انس) کدام یک از «آلاء» اربابان را

«دروغ» می‌شمارید؟

پس ^{۱۰} **آلاء:** چیزهایی «مشترک» برای جن و انس است.

فرقِ « آلاءِ » با « نعمتِ »

چیست؟

اول: « **نعمت** »، هر چیزی است که در « زندگی بشر »،

« **کاربرد** » معمولاً محسوس و « **لموس** » دارد،

چه افراد بشر، « **شاکر** » باشند و یا « **کفران** » کنند.

مانند: نعمتِ آب، هوا، انواع خوراکی‌ها، میوه‌ها، وجودِ والدین،
همسر، فرزندان، اقوام، صحت، عافیت، رهایی از سلطهٔ فراعنه،
و رفعِ دشمنی، همدلی، الفت، وحدت، امامت، ولایت،

اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ
الْعَذَابِ وَ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَ يُسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ... (ابراهيم/٦)

وَ اذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ
فَأَوَّاكُمْ وَ أَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (انفال/٢٦)

... **اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ** إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً **فَأَلَّفَ** بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ
بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ **فَأَنْقَذَكُمْ** مِنْهَا ... (آل عمران/١٠٣)

١٣ **الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي** ... (مائده/٣)

پس طبق فرمایش امیرالمؤمنین صلوات الله علیه:

« آلاء »، « مقابل » ما هستند،

اما « نعمت »، همین الآن بر ما « إحاطه » دارد:

... آتَاهُ إِلَيْكُمْ وَ نَعْمَائِهِ عَلَيْكُمْ ... (خطبه ۱۸۸)

« آلاء » او به سمت شماست و « نعمتهای » او بر شماست.

بنابراین، بشر باید نسبت به « **آلاء** »،

همواره « **ذاکر** » باشد،

و دائماً آنها را با « خودش و اطرافیانش » مرور کند

اما نسبت به « **نعمت‌ها** »،

باید عملاً « **شاکر** » و « **قدردان** » باشد:

.... فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

(أعراف/٦٩)

... فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَ لَا تَغْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُمْسِدِينَ

(أعراف/٧٤)

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي: ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلائِكَ

(زيارة أمين الله)

فرق دوم: « **نعمت‌ها** »، از منظر قرآن،

بسیار زیادند و « قابل شمارش » نیستند:

.... **وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا** ... (ابراهیم/۳۴)

اما طبق فرمایش امیرالمؤمنین صلوات الله علیه،

« **آلاء** »، « **عظمتی** » دارند که فقط با « **حمد** » درک می‌شوند:

... **جَعَلَ الْحَمْدَ ... دَلِيلًا عَلَى آلَائِهِ وَعَظَمَتِهِ** ... (خطبه/۱۵۷)

آیة ۱۷ و ۱۸:



رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ

وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (۱۷)

* (او) خدای دو مشرق و خدای دو مغرب (است). *

« ربوبیتِ » الهی همیشه،

در « دو طلوع » و « دو غروب »، « تجلی » دارد.

شاید « **دو** » مشرق و « **دو** » مغرب،

« **عالم ماده** » و « **عالم معنا** »،

یا « **عالم محسوس** » و « **عالم معقول** »،

یا « **عالم آفاق** » و « **عالم أنفس** »،

یا « **عالم ظاهر** » و « **عالم باطن** » باشد.

که این ²⁰دو، دو چیز جدا نیستند بلکه دو روی « **یک چیز** » هستند.

فَبَايَ آلَاءِ رَبِّكُمَا

تُكَذِّبَانِ (۱۸)

پس²¹ شما کدام «آلاء» ربّتان را «دروغ» می‌شمارید؟

ظاهراً **آلاء:** تحولات و پدیده‌های بزرگی هستند که
(غالب) « جن و انس »، آنها را « تکذیب » می‌کنند.

اما چرا؟

چون برای خودشناسی و درکِ « مخلوقیتِ » خود
و برای درکِ « عظمتِ الهی »، « **حمد** » نمی‌کنند.

آیة ۱۹ و ۲۰ و ۲۱:



مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹)

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ (۲۰)

(او خدای مقتدری است که)

آن دو دریا را (چنان) روان کرد (که) با هم ملاقات می کنند
(اما) میان آنها حد فاصلی است که با هم تداخل ندارند.

در مصداقِ آن « دو دریا »، این موارد را احتمال داده‌اند:

۱- « بحرِ محسوسات » و « بحرِ معقولات »،

۲- « آبِ شور » روی زمین و « آبِ شیرین » زیر زمین،

۳- « آبهای شور » زمین و « آبهای شیرین » آسمان،

۴- « بحرِ غیب » و « بحرِ شهود »،

۵- « بحرِ ظاهر » و « بحرِ باطن »،

و شاید این « دو دریا و آن برزخ »،

« عالمِ ماده » و « نفس » و « عالمِ روح »

در وجودِ هر فرداند که در « جوار » یکدیگرند

اما هیچ « تداخلی » هم در یکدیگر ندارند.

و شاید « **بحرین** » از منظر قرآن،

« **یک دریا** »،

با « **دو خاصیت** » است که

حائلی « **نامرئی** » مانع اختلاطِ آنها می‌شود:

وَ هُوَ الَّذِي **مَرَجَ** **الْبَحْرَيْنِ**

هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ

وَ **جَعَلَ** بَيْنَهُمَا **بَرْزَخًا**

و جزائشورا

و اوست که دو دریا را به سوی هم روان کرد یکی شیرین (و) گوارا و یکی شور (و) تلخ
(مناسب برای فاسد نشدن) و میان آن دو مانع و حریمی استوار قرار داد. (فرقان/۵۳)

و شاید این « **دو بحر** »،

در « **بدن** » انسان و حیوان،

یا زیر و روی « **زمین** » و در « **معنویات** »،

مصادیقِ « **متعدّدی** » دارند.

فَبَايَ آلَاءِ رَبِّكُمَا

تُكَذِّبَانِ (۲۱)

پس^{۳۰} شما کدام «آلاء» ربّتان را «دروغ» می‌شمارید؟

ظاهراً **آلاء:** تحولات و پدیده‌های بزرگی هستند که

(غالب) « جن و انس »،

« **دائماً** » آنها را « تکذیب » می‌کنند.

اما چگونه؟

با «³¹انکارِ ارادهٔ خداوند» در انواع آزمونه‌های سپه‌اقت

آیة ۲۲ و ۲۳:



يَخْرُجُ مِنْهُمَا

الْلُّوْلُوْ وَ الْمَرْجَانُ (۲۲)

* از آن دو (دریا)، دائماً مروارید و مرجان جدا می شود *

با توجه به خروج پیوسته « لؤلؤ و مرجان » از آن دو،

پس آن « دو دریا » احتمالا:

۱- « بحر علم » و « بحر معرفت »،

۲- « بحر غیب » و « بحر شهود »،

۳- « بحر ظاهر » و « بحر باطن » می باشد.

آن « دو دریای » در جوارِ هم اما مستقل، هر کدام،

« فراورده » و « برکاتِ » خودشان را دارند:

« مروارید »، « نعمت‌های پنهان » در صدف،

و « مرجان »، « نعمت‌های آشکار » هستند.

« مرجان »، مخلوقی « زنده » و در حال **رشد** است

که از « نور » تغذیه می‌کند.

خوشا به حال آنان که:

در « **صدف** » خود، « **مروارید** » می‌پرورند

و برای دیگران، « **زینت** » می‌آفرینند.

و یا مانند « **مرجان** »، « **نور** » می‌نوشتند

و زندگی را برای دیگران « **تسهیل** » می‌کنند.



فَبَايَ آلَاءِ رَبِّكُمَا

تُكَذِّبَانِ (۲۳)

پس^{۳۸} شما کدام «آلاء» ربّتان را «دروغ» می‌شمارید؟

ظاهراً **آلاء:** تحولات و پدیده‌های بزرگی هستند که

(غالب) « جن و انس »،

« **دائماً** » آنها را « تکذیب » می‌کنند.

اما **چگونه؟**

با « انکارِ نقشِ خداوند » در تحولاتِ بزرگِ آینده.

چون « آلاء » مثلِ « آیات »،

« انکار » شدنی نیستند،

پس « تکذیب » آنها،

نفیِ « خدایی و قطعی » بودنِ « آلاء » است.

یک نمونه از

«تکذیب»:

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ **لِّلْمُكَذِّبِينَ** (١٠)

الَّذِينَ **يُكَذِّبُونَ** **بِیَوْمِ الدِّينِ**

(مطففین / ۱۱)

تکذیبِ دائمی « آمدن روزِ استقرار تمام ارزش‌های دین »،
و^{۴۲} تکذیبِ دائمی « حسابرسی دقیق آخرت »، چگونه است؟



خدایا؛

ما را با « نور قرآن و اولیاء » خودت،

« منور^س » فرما

و از هر نوع انکار و تکذیبی حفظ فرما

و در ظهور آخرین حجتِ خود سهیمان کن.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

